

شاعران گزیده معاصر

نخستین بار که با انجمنهای ادبی آشنائی پیدا کردم و باشرا و نویسندگان دمنخور و مباشر گشتم بر آن شدم تذکره‌ای تهیه و تنظیم کنم که با آنچه تاکنون بوده است فرق داشته باشد. برای این منظور از گروهی گویندگان بنام خواستم یکی از آثار خود را با انتخاب و سلیقه و خط خویش بنویسند تا پس از گراور، با چند اثر دیگر و شرح حالی مختصر و تصویر ایشان یکجا چاپ شود. از کوششی که در این راه انجام گرفت توفیقی بدست آمد ولی چاپ و انتشار آن بعهده تعویق افتاد.

ایک بجا دانست که پیش از شرح چاپ تذکره، در هر شماره نامه گوهر، یکی از آن آثار طبع و نشر شود.

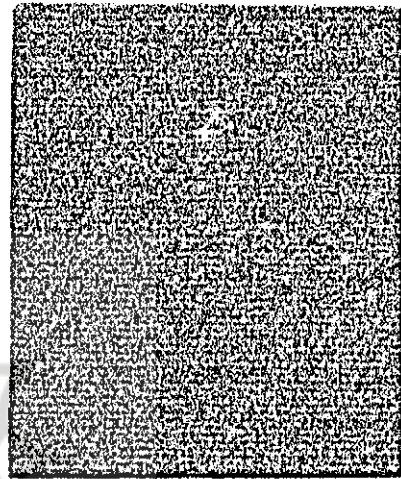
از شاعران و نویسندگانی که مایلند عکس و شرح حال و اثرشان از نظم یا نثر در این تذکره آورده شود خواستاریم که طبق نمونه‌ای که در این شماره است، مدارک زیر را برای ما بفرستند.

۱- شرح حال مختصر شامل: نام و نشان، پدر، تاریخ تولد، نوع تحصیل، تألیفات، خدمات.

۲- یک اثر با انتخاب و خط خود با مرکب سیاه بر یک صفحه کاغذ بابعاد ۱۸×۱۲ که بتوان گراور کرد.

۳- هفت یا هشت اثر (نظم یا نثر) در انواع شعر.

۴- یک قطعه عکس ۶×۹
کامران



استاد محمدعلی نجاتی

محمدعلی نجاتی در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران بدینا آمد. تحصیلات مقدماتی را در دبیرستان اسلام بیابان آورد و بعد برای تکمیل رشته مورد علاقه خود یعنی شعر و ادب پارسی به محضر استادان زمان روی آورد و بفرار گرفتن مقدمات پرداخت و ایام فراغت را نیز بفرور و فحس متون کتب ادبی و دیوانهای شاعران و نویسندگان عالیقدر قدیم مخصوص ساخت. وی در سال ۱۳۱۰ بخدمت سازمان ژاندارمری کل کشور درآمد و مراحل خدمت را تا درجه سرهنگی طی کرد و در همین دوران نیز درجانه لشکری کار اهل قلم داشت و امور مطبوعاتی و از آنجمله مجله ژاندارمری را بمدت ۸ سال زیر نظر و مسؤولیت خویش اداره میکرد. مدتها نیز بامجله قدیمی و ادبی ارمنان همکاری و در مجله وحید نظر و اثر داشت. نجاتی را باید صاحب السیف و القلم دانست. وی در نظم و نثر از پیروان شاعران و مترسلان قدیم است و خود نیز نظم و نثری فصیح و بلیغ

دارد که ورزیدگی و استادی او را در شعر و ادب پارسی نشان میدهد. در صنعت نقدالشعر نیز ماهر است و نظرانی صائب دارد. طبع نجاتی گاه‌بگاه به لطیفه‌گوئی و بذله‌سرائی میل و رغبت دارد و هزل را نیز همانند جد خوب از آب بدر می‌آورد بطوریکه فکاهیات و غزلیات او دست بدست می‌گردد. وی چندی پیش کتاب عجائب‌المقدور فی مثالب تیمور تألیف ابن‌عربشاه را از عربی پارسی ساده و روان و فصیح و بلیغ ترجمه و حتی شعرهای عربی را نیز بشعر شیوای دری معنی کرده است این ترجمه یکی از آثار ارزندهٔ زمان ما بشمار میرود. نجاتی در کتاب‌شناسی و فهرست‌نویسی هم آشنائی کامل دارد و فهرست قسمتی از کتابخانه ملک را آماده کرده است. نجاتی در سه سال گذشته در نتیجهٔ تصادف با اتومبیل صدمتی سخت دید و مدت‌ها الیف بستر بیماری بود و اینک با تنی رنجور و خسته در خانه بمطالعه مشغول است.

مگر امروز صبا را گذر از کوی تو بود
کز نفس، مشک فشان، چون سرگیسوی تو بود
ناصر از عشق نکویان دل رسوای مرا
پند میداد و نهانش نظری سوی تو بود
ای خوش آن شام که دیوانه دلم تا بسحر
راز عشقش همه با سلسلهٔ موی تو بود
رندی و دل شکنی، کنار من و شیوه تو
عشق و بیدادگری، کیش من و خوی تو بود
بلبل طبع من اینگونه سخن پردازای
ز آن پیاموخت که شیدای گل روی تو بود
شد نجاتی همه جا شهره بشیرین سخنی
که حدیثش همه از لعل سخنگوی تو بود.

رندی و دل شکنی

کیش دوستی

افزون بجان مردم درویش میرسد
آزار روزگار بدو بیش میرسد
هرنیش فتنه، بر جگر ریش میرسد
برما چه رنجها که ازین کیش میرسد
ما را ندیده نوش، بدل نیش میرسد
ما را مقدر آنچه شد از پیش میرسد
برجان من جفای نهانیش میرسد
جویری که خلق را ز بدانیش میرسد
برما هر آنچه میرسد، از خویش میرسد

بیداد دهر اگر کم، اگر بیش میرسد
در روزگار هر که کم آزارتر بود
هرسنگ غم، درست نشیند بیای لنگ
نا کیش دوستی و وفا برگزیده‌ایم
گر نیش و نوش هر دو بهم باشد، از چه روی
از پیش تیر حادثه واپس چرا رویم
آن خو برو که مهر و وفا آشکار از اوست
دردا که بردل من از آن نیکخو رسید
بیگانها را چه جرم نهم، کاین «امیر» گفت